



محمد محمدرضایی؛ مسأله شرور، کرونا و ادعیه مفاتیح

یاد خدا در هنگام بیماری هم اراده ما را قوی‌تر می‌سازد و هم ابعاد توحید را بر ما آشکار می‌سازد و هم عاملی برای دوری از وسوسه شیطانی است.

یاد خدا در هنگام بیماری هم اراده ما را قوی‌تر می‌سازد و هم ابعاد توحید را بر ما آشکار می‌سازد و هم عاملی برای دوری از وسوسه شیطانی است.

به گزارش خبرنگار مهر، محمد محمدرضایی، استاد فلسفه دین دانشگاه تهران و رئیس کارگروه فلسفه دین و کلام جدید شورای تحول علوم انسانی و برنامه ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در یادداشتی به مسأله شرور، کرونا و دعاها مفاتیح پرداخته است؛

این نوشتار، بر آن است که به صورت مختصر رابطه شرور و کرونا (درد و رنج) و دعاها موجود در کتاب‌های ادعیه را مورد امعان نظر قرار دهد. تاریخ و پیشینه بحث از شرور به بلندای تاریخ انسان است. در حوزه دین پژوهی، بحث معضل شرور و راز و فواید آن و نیز رابطه آن با صفات خدا و وجود خدا و توجیه اخلاقی وجود شر، از مسائل بسیار مهمی است که ذهن متفکران را همواره به خود مشغول داشته است. بحث معضل شر و درد و رنج ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد که در این نوشتار به رابطه شر و درد و رنج و دعا خواهیم پرداخت.

در کتاب‌های ادعیه، دعاها مناسب هر درد و بیماری وجود دارد؛ مثلاً برای درد دندان و آزاد شدن از زندان و برای رفع ضرر و زیان و... حال سوال این است که فلسفه این دعاها چیست؟ آیا در دنیای معاصر با رشد علم پزشکی و تکنولوژی باز به این دعاها نیازمندیم و یا این که مردم باید هنگام بیماری و رنج برای نمونه کرونا به حضرات ائمه معصومین علیه السلام متوسل شوند؟ آیا توسل، در هنگام درد و سختی امر درستی است؟ حتی برخی از افراد، کار را بدانجا کشیده‌اند که در اجتماعات دانشجویی این دعاها را به سخریه گرفته‌اند. آیا در وراء آنها هیچ فلسفه و حکمتی وجود ندارد؟

برای پاسخ به این سوالات، مقدماتی را ذکر می‌نمایم:

۱- در اسلام، هدف بعثت پیامبران، توحید و یکتاپرستی و عبادت خداوند یگانه و کمال مطلق است. آدمی تنها از طریق توحید و عبادت خداوند و اطاعت از قوانین و دستورات او و انجام اعمال نیک و رشد فضائل و کرامت اخلاقی و پرهیز از پیروی شیطان و طاغوت و ردائیل او است که به کمال واقعی خود، نائل می‌شود.

قرآن در این باره می‌فرماید: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل/۳۶) (ما در هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید خداوند گروهی را هدایت کرد، و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشانرا گرفت پس در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود؟)

و یا در آیه دیگر می‌فرماید: مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/۵۶)، (جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند) عبادت یعنی خضوع در برابر خدا که مستلزم شناخت خدا و تبعیت از کمالات واقعی و اجتناب از ردائیل است. اگر همه کارهای انسان صبغه الهی پیدا کند، عنوان عبادت بر آنها صدق می‌کند و اگر در اسلام نماز مورد تأکید فراوان قرار گرفته است به این دلیل است که در نماز واقعی تمام وجود انسان، اعم از جهات بدنی و ظاهری و جهات ذهنی و قلبی و باطنی، در خدمت خدا قرار می‌گیرد و نیز در واقعیت آن، اجتناب از ردائیل نهفته است (البته قصه عبادت ظاهری و منافقانه متفاوت از عبادت واقعی خداست). از این رو، خدا و راه او و هر چه را که ما را به مقام قرب الهی برساند، نیکو و خیر است.

۲- شیطان، مظهر انحراف و اغواگری انسان‌ها است که اگر ما لحظه‌ای از کید و وسوسه‌های شیطانی غافل شویم، ممکن است از راه الهی که همان راه مستقیم است، فاصله بگیریم. شیطان اعلام نموده است، که من همه انسان‌ها را اغوا و گمراه می‌کنم مگر بندگان مخلص خدا را که بر آنها سلطه ندارم.

قرآن در این باره می‌فرماید قَالَ قِعْرَبِكَ لَأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (ص- ۸۲/۸۳) ([شیطان] گفت

پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می برم (۸۲) مگر آن بندگان پاکدل تو را (۸۳) و نیز شیطان، اعمال نادرست را، به گونه ای زینت می دهد که ممکن است، در هر لحظه ما را از مسیر توحید و راه درست منحرف گرداند.

قرآن در این باره می فرماید: وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ قَصَدَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (عنکبوت/۳۸) (و شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و از راه بارشان داشت با آنکه [در کار دنیا] بینا بودند). بنابراین انسان دائماً باید با بصیرت هر چه تمام، مواظب کید و مکر شیطان باشد و در این راه تنها به خدا پناه برده از او مدد بگیرد.

۳- خداوند انسان را به نیکوترین شکل آفرید و همه وسایل مورد نیاز رشد مادی و معنوی را در اختیار او قرار داده است تا با استفاده از آنها بتواند مقدمات رشد و کمال خود را تأمین نماید.

در حوزه نیازهای مادی قرآن می فرماید: وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (جاثیه/۱۳) (و آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است)

اگر انسان، برای رفع نیازهای مادی خود نتواند به اندازه توانایی خود و به نحو مناسب از جهان پیرامون خود استفاده نماید، باید در عقلانیت او تردید نمود. برای مثال خداوند برای استفاده از نور و حرارت، خورشید را خلق نموده است. هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ (یونس/۵) (اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای آن منزل هایی معین کرد تا شماره سال ها و حساب را بدانید)

حال کسی را در نظر بگیرید که در شب ظلمانی، بدون استفاده از نور می خواهد مطالعه نماید. شما در مورد او چه فکر می کنید؟ می گوئید، خداوند، خورشید را برای روشنایی انسان ها خلق نموده است، شما می توانید با استفاده از پرتو خورشید، مطالعه نمائید. خداوند جهان مادی و انسان را آفریده است و لازمه این جهان مادی، حرکت و رشد و تراحم و ناسازگاری است. اجزا جهان ماده نمی توانند بدون حرکت و تراحم، به کمال واقعی خود نائل گردند و لازمه این حرکت درد و رنج است. از این رو، انسان در طول زندگی خود ممکن است دچار انواع بیماری ها و درد و رنج شود. خداوند برای رفع درد و رنج تا حد ممکن وسایل و ابزارهای بهبودی آن بیماری را در این عالم فراهم نموده است که باید از آنها استفاده نمود. حال اگر انسان دچار بیماری و درد و رنج شود و برای رفع آن از داروهای طبیعی و خود ساخته بشری استفاده نکند، در عقلانیت او باید تردید نمود و اگر آن فرد عامدانه، از داروهای و ابزارهای مناسب برای حفظ جان خود استفاده نکند، به احتمال زیاد مصداق نوعی خودکشی است که مورد ملامت قرآن قرار گرفته است: وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (بقره/۱۹۵) (خود را با دست ‏ خود به هلاکت میفکنید).

۴- بسیاری از فیلسوفان و متفکران، رنج و درد را با شر همسان می دانند که به نظر درست نیست. درد و رنج یک واقعیتی است، اما بد و شر دانستن آن، نیازمند یک جهان بینی و ایدئولوژی و نیز دیدگاه فلسفی است که بر اساس آن، در باب رنج و سختی به داوری بپردازیم.

کسانی که عاشق و مشتاق علم و دانش و یا کسب عنوان قهرمانی در رشته خاص ورزشی و یا کسب مهارت و یا استقلال و آزادی کشور خود از یوغ متجاوزان و استعمارگران هستند، رنج و سختی زیادی را برای نیل به اهداف خود مشتاقانه متحمل می شوند و آنها را به جان می خرنند و در مسیر نیل به هدف، همین سختی ها، لذت بخش است، و هیچ گاه آنها را شر و بد نمی دانند. اصولاً انسان به هر میزان که درد و سختی را در مسیر کسب فضائل تحمل کند به همان میزان این فضائل و بالبتع لذت آن، نصیب او خواهد شد. کسانی که برای معالجه و بهبودی بیماری خود، رنج و درد زیادی را به جان می خرنند، هیچگاه آنها را بد نمی دانند. بنابراین درد و رنج و شر دو مقوله متفاوت اند و به قول آن فیلسوف رواقی، ای رنج هر چند مرا بیازاری ولی من تو را شر و بد نمی دانم و یا عقیده بنی هاشم زینب کبری (سلام الله علیها) با این که در حادثه عاشورا، رنج و سختی جان گداز و طاقت فرسایی را متحمل شد، با این حال بر اساس دیدگاه الهی و عرفانی خود اعلام می دارد که ما رأیتُ الا جمیلاً، من جز زیبایی، چیزی را مشاهده نکردم.

حال بر اساس این مقدمات به اصل بحث می پردازیم؛

خداوند، انسان ها را به نیکوترین شکل ممکن آفرید است و از سر حکمت و لطف و مهربانی، همه وسایل رشد مادی و معنوی را هم در اختیار او قرار داده است. خداوند از انسان خواسته است که از راه مستقیم تبعیت نماید و همواره مواظب مکر و وسوسه های شیطان باشد تا او را از مسیر مستقیم منحرف نگرداند، اما خداوند برای رشد معنوی انسان، او را با انواع وسایل ممکن آزمایش می نماید.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: آیا مردم پنداشتند که به صرف این که بگویند ایمان آورده ایم رها شده و آزمایش نمی شوند. در صورتی که که ما کسانی را که پیش از ایشان بودند، آزمودیم تا حتماً خدا معلوم کند کسانی را که راست گفتند و دروغ گویان را نیز معلوم دارد:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (عنکبوت/۲) (آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (عنکبوت/۳) (و به یقین کسانی را که پیش از ایشان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد)

و یا قرآن در آیه دیگر می فرماید: وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵) (و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزمایشیم و مژده ده شکیبایان را)

از آیات قرآن بر می آید که خداوند در این دنیا ما را با انواع رنج و مصیبت ها امتحان و آزمایش می نماید. البته رنج و مصیبت به خودی خود شر نیست، آنها هنگامی شر می شوند که ما را از راه خدا باز بدارند.

در زمانی که ما با رنج و مصیبت آزمایش می شویم، شیطان دست به کار می شود و با انواع وسوسه ها سعی می نماید ما را از خدا دور سازد. مؤمنان واقعی کسانی هستند که در این آزمایش ها فریب شیطان را نمی خورند و پناه به خدا می برند.

آیات قرآن به ما آموزش می دهد که در این مواقع، یعنی در هنگام رنج و مصیبت و وسوسه های شیطانی به خدا پناه ببریم و خدای ناکرده به انحراف کشیده نشویم.

حال به سراغ دردها و ناراحتی های انسان می رویم. دردها و بیماری دو جنبه دارند: ۱. جنبه مادی بیماری و درمان آنها و ۲. جنبه معنوی بیماری.

۱. عقلانیت انسان مؤمن اقتضا می کند که از امکانات و داروهای موجود در این دنیا که خداوند در اختیار قرار داده، استفاده نماید. برای مثال اگر مبتلا به کرونا و رنج آن شدید، عقلانیت ما اقتضا می کند به مداوای مادی آن بپردازیم. اگر بیماری جهت رفع بیماری خود از داروها و معالجه که تجربه بشری است، استفاده نکند مثل کسی می ماند که در شب ظلمانی به مطالعه بپردازد.

۲. جنبه معنوی بیماری: در هنگام سختی و درد و مصیبت، شیطان فعال می شود و سعی می کند ما را با انواع وسواس شیطانی از خدا و راه او جدا نماید. در این مواقع است که دعاها و دعاها وارد کارساز است. در دعا می خوانیم خدایا تنها شافی تو هستی و هیچ عاملی جز قدرت و اراده تو در این دنیا، تأثیر بخش نیست و به تعبیری در جریان این دردها از وسواس شیطانی به خدا پناه می بریم که البته به معنای نادیده گرفتن درمان مادی بیماری نیست. البته نفس توجه به خدا که خلقت و تدبیر همه موجودات به دست اوست و توسل به حضرات ائمه معصومین علیه السلام فی نفسه می تواند اراده و توکل ما را قوی تر سازد و حتی بعضاً آن بیماری را نیز شفا دهد، ولی نظم و تدبیر عالم به گونه ای نیست که درمان مادی از این طریق صورت گیرد. بنابراین نفس دعاها در هنگام بیماری توجه به توحید و پرهیز از وسواس شیطانی است که خدای نکرده این بیماری و درد ناشی از آن به گونه ای نباشد که ما را از مسیر توحید و اعمال صالح باز دارد.

افرادی که این دعاها را خدای ناکرده به سخریه می گیرند، به ناروا فکر می کنند که این دعا جایگزین مداوای مادی بیماری است. در صورتی که دعا، جنبه توحیدی و معنوی بیماری است که سعی کنیم از آزمون الهی موفق بیرون آئیم. حال با توجه به این مطالب دعاها را مورد تحلیل قرار می دهیم.

برای مثال در مورد درد دندان، دعایی وارد شده که دندان را مسح کن و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَالشَّافِي اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (شیخ عباس قومی مفاتیح الجنان) در واقع در همان هنگام درد، دست بر موضوع درد می گذاریم و توحید را فریاد می زنیم تا از این درد و ناراحتی و به تعبیری آزمایش الهی موفق بیرون بیایم و اجازه ندهیم که شیطان به

بهانه درد ما را از مسیر توحید خارج کند.

و یا دعای امام سجاد برای رفع ضرر و زیان، چنین است: یَسْمُ اللّٰهَ وَ یَاللّٰهَ وَ مِنْ اللّٰهِ وَ اِلَى اللّٰهِ وَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ;rlm&اللّٰهُمَّ اِلَیْکَ اَسْلَمْتُ نَفْسِی وَ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهَی وَ اِلَیْکَ قَوَّضْتُ اَمْرِی;rlm&قَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیْ وَ مِنْ خَلْفِی وَ عَنْ یَمِیْنِی وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ قَوْفِی وَ مِنْ تَحْتِی;rlm&وَ اَذْفَعْ عَنِّی یَحْوِلُکَ وَ قُوَّتُکَ قَائِلَهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ;rlm&(شیخ عباس قومی مفاتیح الجنان) و نیز از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است که فرد دردمند دست در موضع درد بگذارد و بگوید: یَسْمُ اللّٰهِ قُلْ اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ;rlm&وَ اَعُوْذُ بِاَسْمَاءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اُحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلٰی نَفْسِی (شیخ عباس قومی مفاتیح الجنان)

بنابراین با تأمل و دقت در دعاهاى مخصوص بیماری، نتیجه می گیریم که توحید و ابعاد آن در همه حال حتی در هنگام بیماری باید مد نظر باشد و هیچ گاه از یاد خدا غافل نشویم. یاد خدا در هنگام بیماری هم اراده ما را قوی تر می سازد و هم ابعاد توحید را بر ما آشکار می سازد و هم عاملی برای دوری از وسواس شیطانی است که در قرآن سفارش شده است: قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ.